



رونمایی از عقبه خطای محاسباتی

کمتر کسی تصور می‌کرد پس از شهادت رهبر انقلاب، ایران بار دیگر در شرایطی قرار بگیرد که مذاکره با آمریکا به دستور کار رسمی بازگردد. شکست برجام، فعال شدن مکانیسم ماشه، جنگ دوازده روزه و سپس جنگ چهل روزه در میانه مذاکرات دولت با واشنگتن، عملاً سرمایه سیاسی جریان غرب‌گرا را برای پیشبرد دوباره این مسیر به حداقل رسانده بود. اصلاح‌طلبان دیگر نه توان اقناع بدنه اجتماعی خود را داشتند و نه قدرت اقناع نیروهای انقلابی را از همین رو برای عبور از این بن‌بست، به چهره‌ای نیاز داشتند که بتواند هزینه سیاسی مذاکره را از دوش آنان بردارد؛ چهره‌ای که در اردوگاه مقابل اعتبار داشته باشد و نقش کاتالیزور را ایفا کند.

۳



قائم‌پناه معاون اجرایی پزشک‌یان روز گذشته ادبیات نامناسبی را نسبت به رهبر معظم انقلاب بر زبان آورد

طغیان جعفر

اظهارات کم سابقه معاون اجرایی پرحاشیه رئیس‌جمهور و سرپرست نهاد ریاست جمهوری درباره روند تصویب تفاهم‌نامه میان روسای جمهور ایران و آمریکا در شورای عالی امنیت ملی گذشته از آنکه می‌تواند ذیل عنوان افشای اسناد سری قرار بگیرد، با ادبیات دور از شانی نسبت به ساحت ولایت فقیه همراه بود. او که در ادامه تلاش‌های جریان وفاق برای توجیه مخالفت رهبر انقلاب با روند تفاهم مورد اشاره وارد میدان شده است، از دیگران سبقت گرفته و در بیانی عجیب تلاش کرده تا رفتار مخالف با ولی فقیه را با استدلال‌هایی سست پایه، تئوریزه و توجیه کند.

۲



بازدارندگی به روایت مرشایمر

۷

صدای گرم سحرگاهی خاموش شد

۸



توافق ساده لوحانه برای عقب نشینی رژیم زمین‌خوار

احسان خوشوقت
روزنامه‌نگار

ساده لوحانه‌ترین تصور ممکن این است که کسی باور کند رژیم صهیونیستی با چند امضا و چند نشست دیپلماتیک، داوطلبانه از سرزمین‌های اشغالی لبنان عقب‌نشینی خواهد کرد. تجربه چند دهه گذشته نشان داده است که این رژیم نه بر اساس منطق تعهدات بین‌المللی، بلکه بر پایه سیاست توسعه‌طلبی و ایجاد تجاوازت و جنگ‌های میدانی حرکت می‌کند.

متن کامل در صفحه ۶

صفحه ۵

اقتصادی

«قحطی هراسی» برای توجیه شوک درمانی

«خطر قحطی از بیخ گوش ایران گذشت! این تیتراگفت‌وگویی است که پایگاه خبری بانک مرکزی برای سخنان فردی که «اقتصاددان» معرفی شده، برگزیده است؛ تیتیری که بیش از آنکه به ادبیات یک نهاد تخصصی پولی شباهت داشته باشد، یادآور ادبیات تبلیغاتی و اقناعی است.

صفحه ۵

اقتصادی

خودروسازان؛ عامل اصلی ناترازی بنزین

عضو کمیسیون انرژی مجلس گفت: بخش عمده مشکلات صنعت خودرو ناشی از سوءمدیریت، رانت و انحصار است. مصرف بالای سوخت خودروهای داخلی یکی از چالش‌های این صنعت است که هزینه‌های زیادی را برای واردات بنزین به کشور تحمیل می‌کند.

خبر کوتاه

حمایت جمعی از وعاظ کشور از بیانیه تاریخی خبرگان

بدنبال بیانیه وزبن و جامع اکثریت اعضای محترم مجلس خبرگان رهبری و مرکز مدیریت حوزه های علمیه که دربرگیرنده نکات مهم و تذکرات قاطعی می باشد، اینجانبان امضا کنندگان ذیل ضمن حمایت همه جانبه از محتوای آن و هم راستا با ملت مبعوث، همگان به ویژه مسؤولان و نخبگان و اصحاب رسانه را به اطاعت پذیری محض از مقام عظمای ولایت و تقویت انسجام و اتحاد مقدس فرا خوانده و همچون دیگر آحاد ملت خواستار خونخواهی رهبر شهید و پیگیر عمل به شروط رهبر معظم انقلاب می باشیم. ۸۰/ تیر/ ۱۴۰۵ امضا کنندگان:

۱. مسعود عالی ۲. ناصر رفیعی ۳. علیرضا پناهیان ۴. محمد مهدی ماندگاری ۵. محمدرضا عابدینی ۶. محمد حاج ابوالقاسم دولابی ۷. حمیدرضا مهدوی ارفع ۸. رضا محمدی شاهرودی ۹. سید ابراهیم حسینی اراکی ۱۰. سید علیرضا تراشویون ۱۱. محمد حسن نبوی ۱۲. سید علیرضا تکیه ای ۱۳. سید حسن علوی ۱۴. احسان بی آزار تهرانی ۱۵. محمدرضا برادران ۱۶. سید مهدی شیرازی ۱۷. حسین جوشقانپان ۱۸. احمد لقمانی ۱۹. علی اصغر ظهیری ۲۰. جعفر واضعی آشتیانی ۲۱. سید ناصر میرمحمدیان ۲۲. سید علی اکبر محسنی ۲۳. سید جلال موسویان ۲۴. عباس فرازی ۲۵. مرتضی دهشت ۲۶. محمود صفاری ۲۷. محسن صفدری ۲۸. امیر جوان آراسته ۲۹. محمدرضا شیخ طادی

قدردانی حجت الاسلام قمی از ۱۱۰ شب میدان داری مداحان

حجت الاسلام محمد قمی رئیس سازمان تبلیغات اسلامی در پیامی از بیش از صد و ده شب میدان داری مداحان و امتداد این مجاهدت در دهه محرم قدردانی و تشکرو بر استمرار آن تا تشییع و به خاکسپاری رهبر شهید انقلاب تاکید کرد. در این پیام آمده است: رحمت و رضوان به همه ی خادمین هیئت و به طور خاص تشکرو و سپاسگزاری می کنم از ذاکرین و ستایشگران اهل بیت (ع)، غیور و جوانمردانه به میدان آمدید، با حنجره های خسته مجاهدت کردید و اثبات کردید که هیئت امام حسین (ع) سکولار نیست. میدان و خیابان را قدرتمند به هم پیوند زدید، بدون کمک مؤثر سازمان ها، مردانه و مردمی واقعاً گل کاشتید، از خون خواهی آقای شهیدمان - که پرچم دار آن هم شمایید - کوتاه نمی آییم. در کنار اهل علم و منبر، آقای شهید فرمودند مداح با هنرمندی و به زیبایی، مبلغ اسلام است.

حمایت تشکل های دانشجویی از بیانیه انقلابی اعضای مجلس خبرگان

جمعی از تشکل های دانشجویی در پیامی خطاب به فقهای مجلس خبرگان از بیانیه اخیر این شورا حمایت کرده و نوشتند: در برهه ای که دشمنان انقلاب اسلامی با جنگ ترکیبی و تلاش برای ایجاد تردید نسبت به ارکان نظام، در پی آسیب رساندن به وحدت ملی و اقتدار جمهوری اسلامی هستند، مجلس خبرگان با صدور مواضع و بیانیه های اخیر خود، مسئولانه، به هنگام و حکیمانه در میدان صیانت از جایگاه رهبری، حفظ مصالح عالی نظام و دفاع از منافع ملی حضور یافت و بار دیگر نشان داد که پاسداری از رکن اساسی نظام اسلامی را رسالت شرعی و قانونی خود می داند. این پیام می افزاید: محتوای بیانیه ده بندی خبرگان، به ویژه تاکید بر ضرورت قصاص از مسببان شهادت امام خامنه ای رضوان الله علیه و تاکید بر التزام و الزام به فصل الخطاب بودن رهبری، جلوه ای از اشراف عمیق بر مبانی فقهی، شناخت دقیق از شرایط کشور و بصیرت دینی و سیاسی اعضای این مجلس است. در این پیام آمده است: جنبش دانشجویی ضمن اعلام حمایت قاطع از مواضع اخیر مجلس خبرگان، مراتب تقدیر و سپاس صمیمانه خود را از فقهای بزرگوار مجلس خبرگان به پاس این رویکرد حکیمانه، مسئولانه و انقلابی ابراز داشته و از خداوند متعال، توفیق روزافزون آنان را مسئلت می نماید. دفتر تحکیم وحدت، اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل، اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان، شورای تبیین مواضع بسیج دانشجویی کشور و اتحادیه جنبش عدالت خواه دانشجویی امضا کنندگان این پیام هستند.

قائم پناه معاون اجرایی پزشکيان روز گذشته ادبيات نامناسبی را نسبت به رهبر معظم انقلاب بر زبان آورد

طغیان جعفر

اظهارات روز گذشته قائم پناه معاون اجرایی پرحاشیه رئیس جمهور و سرپرست نهاد ریاست جمهوری درباره روند تصویب تفاهم نامه میان روسای جمهور ایران و آمریکا در شورای عالی امنیت ملی

گذشته از آنکه می تواند ذیل عنوان افشای اسناد سری قرار بگیرد، با ادبیات دور از شانی نسبت به ساحت ولایت فقیه همراه بود.



جعفر کاظمی

روزنامه نگار

نیست پیام رهبری نشان می دهد برای جمهوری اسلامی، حتی در حساس ترین تصمیمات امنیت ملی، خرد جمعی و نهاد های مسئول موضوعیت دارد. اگر ما نه نهادی بودیم، بعد از اسفند چه می کردیم؟ نهاد ساخته ایم و نهادی به نام «شعاع» داریم.

بیان این جمله که اگر قرار باشد تنها نظر رهبر اجرا شود که دیگر مجلس و شعاع معنا ندارد گذشته از لحن و بیان سخیف آن، حاکی از عدم اشراف به این واقعیت است که در نظام اسلامی، مشروعیت تمامی نهادها به حکم ولی فقیه است و حتی روسای جمهور نیز تنها پس از تفیذ مقام رهبری، مشروعیت یافته و می توانند دولت تشکیل دهند. از سوی دیگر، بیان جمله یاد شده تنها چند روز پس از موافقت مشروط رهبر معظم انقلاب با تفاهم نامه علیرغم داشتن نظر دیگر در این مورد، نوعی ناسپاسی نسبت به لطف و عنایت رهبری نسبت به دولت هم هست. انتظار عمومی از مسئولان دولتی و اعضای هیات مذاکره کننده این بود که به دلیل در پیش گرفتن و تصویب روندی متفاوت از نظر ابراز شده ولی فقیه، از ایشان و مردم عذرخواهی می شد؛ اکنون اما شاهد بیان اینگونه سخنان شاذ توسط معاون رئیس جمهور هستیم.

علاوه بر اینها، قائم پناه در سخنان خود برخی موضوعات کاملاً سری درباره روند

تصویب تفاهم نامه در شعاع را بصورت علنی بیان می کند. از تعداد و ترکیب اعضای جلسه تا رای فرماندهان نظامی. او همچنین و بر خلاف بیانیه های روابط عمومی سپاه، نام فرماندهی سپاه را نیز بر زبان آورد.

هفته گذشته پزشکيان نیز چنین خطایی را مرتکب شده بود. رئیس دولت چهاردهم گفته بود: «اگر رزمندگان ما توانستند بجنگند ما پشتیبانی کردیم. ما اگر پشتیبانی نمی کردیم رزمندگان ما نمی توانستند بجنگند. ۲۰ میلیون بشکه نفتی که برای دولت بود را به هوافضای سپاه دادیم تا بتواند خود را تجهیز کند. یعنی از پول خودمان! ارزی که داشتیم را دادیم به آن ها. یعنی اگر ما پشتیبانی نمی کردیم رزمندگان ما نمی توانستند بجنگند. شما خیال می کنید نیروهای مسلح همین طوری جنگیدند؟ ما پشتیبانی نکردیم و جنگیدند؟» پزشکيان همچنین در دفاع از تفاهم نامه ای که میان او و رئیس جمهور تروپست آمریکا امضا شده، برخی جزئیات از جلسه سری شورای عالی امنیت ملی را به صورت علنی پشت تریبون مطرح کرد و گفت: «ما با وحدت و انسجام تصمیم گرفتیم. فرمانده قرارگاه، ارتش، سپاه و (دبیر) امنیت بود. همه یک حرف زدند و برای چیزی که خواستیم عمل کنیم امضا کنند. همه امضا کردند که این راه باید برویم.»

رسانه

اصلاح خبرسازی ناشیانه در مورد ترکیب آرا در شعاع



روز گذشته خبرگزاری دولتی ایرنا به نقل از قائم پناه معاون اجرایی رئیس جمهور نوشت: مقام معظم رهبری فرمودند که جلسه شعاع با حضور فرماندهان ارشد نظامی برگزار شود و اگر سه چهارم افراد رأی مثبت دادند، پذیرفته شود. رئیس جمهور، رئیس مجلس، رئیس قوه قضائیه، جانشین شهید موسوی، وزیر کشور، رئیس سازمان برنامه و بودجه، وزیر امور خارجه، فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، امیر حاتمی و ۲ نماینده ولی فقیه (سعید جلیلی و ذوالقدر) رأی مثبت دادند.

پس از گذشت ساعتی، ایرنا خبر خود درباره جلسه شعاع پیرامون تفاهم نامه را تغییر داد! ایرنا در خبر جدید به نقل از قائم پناه، عبارت "۲ نماینده ولی فقیه رأی مثبت دادند" را به "۲

مبنی بر رأی منفی جلیلی به تفاهم همچنان باقی است. گفتنی است قائم پناه یک روز پس از امضای تفاهم نامه پزشکيان ترامپ گفته بود: پزشکيان نقش اول را در این تفاهم داشت. او توانست این تفاهم نامه را به امضای همه شعاع به جز یک نفر برساند.

خبر کوتاه

گلایه ثابتی از برخورد غیرعادلانه با فعالان رسانه‌ای انقلابی

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در جریان دیدار اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس با دادستان کل کشور گفت: چند مساله را مطرح کردم که مهمترین آن تشکر از قوه قضاییه بابت مصادره اموال ایرانی‌های خارج از کشور خائن به وطن بود و در ادامه نیز بابت برخی از اقدامات قوه قضاییه در برخورد غیرعادلانه با فعالان رسانه‌ای انقلابی گلایه کردم و گفتم حرف من به معنای این نیست که انقلابی‌ها باید مصونیت داشته باشند و با آنها برخورد نشود بلکه هرکس جرمی انجام دهد باید طبق قانون مورد برخورد قرار گیرد اما متأسفانه گزارشهای متعددی به دست بنده و تعدادی دیگر از نمایندگان رسیده که در چند ماه اخیر، اولویت دادستان به جای برخورد با ضدانقلاب داخل کشور، تمرکز برای برخورد با منتقدان و نیروهای انقلابی جریان وفاق بوده و متأسفانه تعدادی از فعالان فضای مجازی انقلابی به یکباره خط شان به دستور دادستان مسدود شده است! در حالی که از قوه قضاییه انتظار می‌رود طبق روال قانونی و با ابلاغیه، هرکس را که جرمی مرتکب شده محاکمه کند نه آنکه در همین فضای مجازی افراد ضدانقلاب و بدنام رها شوند و قوه قضاییه جمهوری اسلامی مشغول برخورد با منتقدان یک طیف سیاسی خاص باشد.

سردار ابن الرضا: دستانمان روی ماشه است

سردار سرتیپ پاسدار سید مجید ابن الرضا سرپرست وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در گفت‌وگوی تلفنی با معاون نخست وزیر و وزیر دولت در امور دفاع قطر گفت: جمهوری اسلامی ایران هرگز ترور و شهادت رهبر عالی سیاسی و دینی، فرماندهان نظامی، مردم بی‌گناه و به‌ویژه دانش‌آموزان مدرسه میناب را فراموش نخواهد کرد و این جنایت‌ها برای همیشه در پرونده سیاه آمریکا ثبت خواهد ماند. سرپرست وزارت دفاع با تأکید بر اعتماد جمهوری اسلامی ایران به کشورهای مسلمان و همسایه، به‌ویژه قطر، خاطر نشان کرد: به اعتماد به برادرانمان لکن به دشمن اعتماد نداریم و دستانمان روی ماشه قرار دارد و بدون تردید در صورت هرگونه نقض مفاد آتش‌بس، اقدام و واکنش متناسب و لازم را خواهیم داشت. وی با اشاره به اهمیت خلیج فارس و تنگه هرمز در تجارت جهانی، گفت: این منطقه نباید مورد سوءاستفاده کشورهای فرامنطقه‌ای قرار گیرد و حضور نیروهای بیگانه نه تنها امنیت‌آفرین نیست، بلکه موجب افزایش سوء تفاهم، بی‌اعتمادی و ناامنی می‌شود.

یک تیم گروهک‌های معاند و تجزیه‌طلب متلاشی شد

بارصد اطلاعاتی رزمندگان قرارگاه حمزه سیدالشهدا علیه السلام نیروی زمینی سپاه یک تیم از گروهک‌های معاند و تجزیه‌طلب در کمین رزمندگان قرارگاه حمزه گرفتار و به صورت کامل متلاشی شدند. اطلاعاتیه قرارگاه حمزه سیدالشهدا علیه السلام نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به شرح زیر است: در پی ورود یک تیم از گروهک‌های معاند و تجزیه‌طلب به مرزهای شمالغرب کشور برای اقدامات خرابکارانه و تروریستی، بارصد اطلاعاتی رزمندگان قرارگاه حمزه سیدالشهدا علیه السلام نیروی زمینی سپاه این اشرار در کمین رزمندگان قرارگاه حمزه گرفتار و به صورت کامل متلاشی شدند. این درگیری در ارتفاعات مابین شهرستان‌های مهاباد و پیرانشهر و پشتیبانی آتش ادوات صورت پذیرفت و طی آن این تیم شش نفره بطور کامل منهدم شد و اجساد چهار نفر از اشرار به همراه انواع سلاح و تجهیزات در اختیار رزمندگان اسلام قرار گرفت. قرارگاه حمزه سیدالشهدا علیه السلام ضمن هشدار مجدد به عناصر تجزیه‌طلب و تروریست اعلام می‌دارد، هرگونه اقدام در جهت ناامن سازی مرزهای شمالغرب با پاسخ قاطع و پشیمان‌کننده مواجه خواهد شد.



تفاهم، در خلیج فارس شاهد زد و خوردهایی باشیم. اگر چنین اتفاقی افتاد، نگوئید مذاکرات شکست خورده و باید آن را قطع کنیم.

این درگیری‌ها بخشی از فرایند تثبیت معادله ایران در تنگه هرمز است. «از نظر احادیان تجاوز به خاک ایران حتی پس از آتش‌بس یک فرایند طبیعی است!

در کنار این موارد، مواضع مهدی محمدی پس از حملات آمریکا به ایران نیز محل توجه بود. در یکی از این موارد او با تأکید بر اینکه اهداف مورد حمله آمریکا پس از اجرای تفاهم، پیش‌تر نیز بمباران شده بودند، تلاش کرد ابعاد اقدام آمریکا را کم‌اهمیت جلوه دهد؛ تحلیلی که از نگاه منتقدان، بیش از آنکه به تبیین واقعیت میدان کمک کند، در راستای حفظ روایت تدویم تفاهم و جلوگیری از اعلام شکست آن ارزیابی شد. مهدی محمدی پیش‌تر نیز پذیرش آتش‌بس را اشتباه قلمداد کرده بود. آتش‌بسی که با مشاوه‌های خود او و تیم نزدیک به قالیباف شکل گرفته بود. این در حالی است که حتی پس از گذشت روزها از تفاهم‌نامه نیز بسیاری از تعهدات ادعایی آمریکا، از جمله در حوزه آزادسازی دارایی‌های ایران و برخی پرونده‌های منطقه‌ای، محقق نشده است.

رئیس مجلس باید بیش از هر زمان دیگری درباره نقش و جهت‌دهی حلقه مشاورانش تأمل کند. تجربه سیاست در جمهوری اسلامی بارها نشان داده است که فاصله گرفتن از مبانی راهبردی ترسیم‌شده از سوی رهبری، نه تنها دستاوردی پایدار به همراه نداشته، بلکه سرمایه سیاسی کنشگران را نیز فرسوده کرده است. طی ماه‌های گذشته بسیاری از صاحب‌نظران و دلسوزان نسبت به ضرورت تجدیدنظر رئیس مجلس درباره مشاورانش تذکر و هشدار داده بودند.

اکنون اما همان جریان، از قالیباف به عنوان یکی از مهم‌ترین حامیان مسیر جدید یاد می‌کند؛ تغییری که بدون بررسی نقش اتاق فکر اطراف او قابل توضیح نیست.

در میان این مشاوران، مجید شاکری بیش از دیگران با طرح ایده «طلوع نفتی و غروب هسته‌ای» شناخته می‌شود؛ ایده‌ای که بر پایان پرونده هسته‌ای و تمرکز بر توسعه اقتصادی از طریق صادرات نفت استوار است. بر اساس این نگاه، اگر آمریکا در فروش نفت ایران ذی‌نفع شود، امنیت و اقتصاد کشور نیز تضمین خواهد شد. این در حالی است که منتقدان این دیدگاه معتقدند وابسته کردن امنیت ملی به منافع طرف مقابل، علاوه بر خطراتش، ایران را تبدیل به کشوری وابسته مشابه عربستان سعودی می‌کند.

ازسوی دیگر، سعید آجرلو نیز طی چند ماه اخیر همواره بر این تأکید داشته که اصل مذاکره با آمریکا نباید به طور کامل کنار گذاشته شود. او اخیراً نیز کوشید مسیر جدید تیم قالیباف را «راه سوم» معرفی کند؛ نه راه رهبر شهید انقلاب و نه راه اصلاح‌طلبانی که به تعبیر او پروژه تسلیم را دنبال می‌کنند. اما نتیجه منطقی چنین تحلیلی آن است که راهبردی که رهبر شهید بر اساس تجربه تاریخی بر آن اصرار داشت، ناکارآمد تلقی شود؛ او در اقدامی غیراخلاقی و روی آنتن زنده سیمای جمهوری اسلامی با جسارت به مواضع رهبر شهید کنایه زد و برداشتی ارائه کرد که با مواضع رسمی گذشته قالیباف نیز همخوانی ندارد و علناً پروژه عبور از رهبر جدید انقلاب را کلید می‌زند.

علاوه بر اینها محمد سعید احادیان دستیار سیاسی و رسانه‌ای رئیس مجلس اخیراً گفته است: پیش‌بینی ما این است که در هفته اول پس از امضای

سخنان توهین‌آمیز آجرلو عضو هیات مذاکره‌کننده درباره نگاه رهبر شهید به مذاکره، از ریشه‌های خطای محاسباتی اخیر پرده برداشت

رونمایی از عقبه خطای محاسباتی

کمتر کسی تصور می‌کرد پس از شهادت رهبر انقلاب اسلامی، ایران بار دیگر در شرایطی قرار بگیرد که مذاکره با آمریکا به دستور کار رسمی بازگردد. شکست برجام، فعال‌شدن مکانیسم ماشه، جنگ دوازده‌روزه و سپس جنگ چهل‌روزه در میانه مذاکرات دولت با واشنگتن، عملاً سرمایه سیاسی جریان غرب‌گرا را برای پیشبرد دوباره این مسیر به حداقل رسانده بود. اصلاح‌طلبان دیگر نه توان اقناع بدنه اجتماعی خود را داشتند و نه قدرت اقناع نیروهای انقلابی را از همین رو برای عبور از این بن‌بست، به چهره‌ای نیاز داشتند که بتواند هزینه سیاسی مذاکره را از دوش آنان بردارد؛ چهره‌ای که در اردوگاه مقابل اعتبار داشته باشد و نقش کاتالیزور را ایفا کند.

سعید قاسمی

روزنامه‌نگار

محمد باقر قالیباف برخلاف بسیاری از سیاست‌مداران، تنها یک رئیس مجلس نبود. سابقه فرماندهی در سپاه، برخورداری از پایگاه اجتماعی در میان بخشی از طبقه متوسط حزب‌اللهی، نفوذ در میان نواصول گرایان و شبکه رسانه‌ای نزدیک به آنان، ظرفیت‌هایی بود که می‌توانست مقاومت بدنه نیروهای انقلابی در برابر پروژه مذاکره را کاهش دهد. افزون بر این، شکست در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۳ مقابل سعید جلیلی، انگیزه‌ای مضاعف برای تعریف جایگاه جدیدی در ساختار سیاسی ایجاد کرد؛ جایگاهی که ذیل پروژه «وفاق» بیش از گذشته به دولت نزدیک شد. ازسوی دیگر، ریاست مجلس نیز این امکان را در اختیار او قرار داد که با مدیریت فضای پارلمان و جلوگیری از ایجاد موانع تقنینی، مسیر مذاکرات را هموار کند.

امان از مشاوران!

با این حال، این تغییر موضع را نمی‌توان صرفاً محصول محاسبات شخصی قالیباف دانست. واقعیت آن است که او یک شبیه به این نقطه نرسید. حلقه مشاوران نزدیک رئیس مجلس، نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری این چرخش ایفا کردند؛ حلقه‌ای که بررسی مواضع و ایده‌های آنان، بسیاری از رفتارهای امروز قالیباف را قابل فهم می‌کند. از مهدی محمدی گرفته تا سعید آجرلو، محمد سعید احادیان (مستول رسانه‌ای قالیباف) و مجید شاکری، هر یک در ماه‌های اخیر روایت خاصی از نسبت ایران با آمریکا، اقتصاد و پرونده هسته‌ای ارائه کرده‌اند؛ روایتی که فاصله محسوسی با مواضع رسمی نظام درباره مذاکره با آمریکا داشته و دارد.

قالیباف در بهمن ۱۴۰۳، با تأسی به رهبر شهید انقلاب، مذاکره با آمریکا را مردود می‌دانست و تأکید می‌کرد دونالد ترامپ به دلیل آغشته بودن دستانش به خون شهید سردار قاسم سلیمانی، اساساً شایستگی مذاکره ندارد. او همچنین چند سال پیش قانون اقدام راهبردی

گندم کاران همچنان در انتظار پرداخت مطالبات!



مجید آنجفی، معاون امور زراعت وزارت جهاد کشاورزی، می‌گوید: تأخیر در پرداخت مطالبات گندم کاران می‌تواند موجب کاهش تحویل به مراکز خرید، افزایش احتمال قاچاق و تهدید امنیت غذایی کشور شود. رئیس بنیاد ملی گندم کاران با انتقاد از

روند کند پرداخت مطالبات کشاورزان گفت: از مجموع حدود ۲۱۰ هزار میلیارد تومان مطالبات گندم کاران، تاکنون تنها حدود ۵۰ هزار میلیارد تومان پرداخت شده است. تحویل گندم از سوی کشاورزان نسبت به مدت مشابه سال گذشته کاهش داشته است. یکی از مهم‌ترین عوامل این کاهش، پرداخت نشدن به موقع مطالبات گندم کاران است.

علیرضا عباسی، نایب رئیس کمیسیون کشاورزی، آب، منابع طبیعی و محیط زیست مجلس گفت: امسال نیز به لطف خداوند و بارش‌های مناسب، برآوردها نشان می‌دهد حدود ۱۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تن گندم در کشور تولید خواهد شد که پیش‌بینی می‌شود نزدیک به ۱۰ میلیون تن آن به دولت تحویل شود. اگر این روند محقق شود، هیچ نیازی به واردات گندم

نخواهیم داشت.

این نماینده مجلس با انتقاد از برخی اظهارنظرها درباره واردات گندم از آمریکا تأکید کرد: ما هیچ نیازی به خرید گندم از آمریکا نداریم؛ زیرا ظرفیت تولید داخلی پاسخگوی نیاز کشور است. اما تحقق این هدف مستلزم فراهم شدن شرایطی است که کشاورزان با انگیزه، محصول خود را به دولت تحویل دهند. عباسی پرداخت به موقع مطالبات گندم کاران را مهم‌ترین عامل تحقق این هدف دانست و اظهار کرد: تاکنون حدود چهار میلیون تن گندم از کشاورزان خریداری شده و حدود ۵۰ هزار میلیارد تومان از مطالبات پرداخت شده است، اما همچنان حدود ۷۵ درصد مطالبات کشاورزان باقی مانده و دولت باید هرچه سریع‌تر نسبت به پرداخت آن اقدام کند.

وی ادامه داد: اگر مطالبات گندم کاران به موقع پرداخت نشود، بخشی از گندم تولیدی ممکن است به جای تحویل به دولت، در دامداری‌ها، مرغداری‌ها یا صنایع مورد استفاده قرار گیرد؛ در حالی که این محصول باید برای تأمین نان مردم خریداری شود تا کشور نیازی به واردات گندم نداشته باشد.

نایب رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس با انتقاد از عملکرد وزارت جهاد کشاورزی در پیگیری مطالبات گندم کاران گفت: متأسفانه وزارت جهاد کشاورزی آن‌گونه که باید و شاید در هیئت دولت از حقوق کشاورزان دفاع نکرده است. وزیر جهاد کشاورزی، به عنوان متولی بخش کشاورزی، باید با جدیت بیشتری موضوع تأمین منابع و پرداخت مطالبات را در دولت دنبال کند.

واکاو فرسایش ساختاری اقتصاد رژیم صهیونیستی در جنگ‌های چندجبهه‌ای نشان می‌دهد؛

اقتصاد رژیم صهیونیستی در سراسری فروپاشی

اقتصاد رژیم صهیونیستی دیگر با نوسان‌های مقطعی یا کسری‌های متعارف بودجه‌ای مواجه نیست، بلکه درگیر یک چرخش راهبردی پرهزینه به سوی نظامی‌گری حداکثری شده است. افزایش بی‌سابقه مخارج جنگ، رشد بدهی‌های عمومی، کوچک شدن اقتصاد، تشدید فقر و فرسایش سرمایه انسانی، همگی از تضعیف بنیان‌های درونی این رژیم حکایت دارد.



محمد امین حق‌گو

پژوهشگر اقتصادی

تحولات سالیان اخیر در غرب آسیا، فرضیات پیشین پیرامون تاب‌آوری الگوهای توسعه محور را دستخوش تغییری بنیادین کرده است. آنچه امروزه در اقتصاد رژیم صهیونیستی تحت مدیریت بنیامین نتانیا‌هو به چشم می‌آید، از سطح یک ناترازی بودجه‌ای ساده یا نوسان‌های زودگذر امنیتی عبور کرده و نشان‌دهنده چرخشی راهبردی و خطرناک است. در این وضعیت، «اقتصاد» وجه المصالحه «میلیتاریسم» قرار می‌گیرد. تغییر ماهیت از ساختاری متکی بر فناوری‌های پیشرفته و پیوندهای جهانی به سوی انگاره «ابر سپارت خاورمیانه»، مخارجی سنگین بردوش این رژیم جعلی گذاشته است که با چارچوب مرسوم بودجه‌های نظامی فاصله‌ای معنادار دارد. نوشتار پیش رو بر آن است تا پیامدهای ساختاری این تغییر پارادایم را با توجه به گزارش تحلیلی اخیر روزنامه ترکی «دیلی صباح» و از دریچه منافع ملی و ثبات منطقه‌ای واکاوی کند.

بحران ارقام و واقعیت آماری ناترازی

در تحلیل‌های کلان اقتصادی، همواره توازن میان هزینه‌های جاری و ظرفیت تولید ناخالص داخلی تعریف می‌شود. زمانی که امیر یارون، رئیس بانک مرکزی اسرائیل، از رقم ۴۰۵ میلیارد شکل (معادل ۱۳۸ میلیارد دلار) سخن می‌گوید، در حقیقت از شوکی سخن می‌راند که ۱۷ درصد از کل تولید ناخالص داخلی را به کام خود کشیده است. این حجم از مخارج، برای رژیمی که مدعی پایداری اقتصادی بود، نوعی «مصرف سرمایه‌های ملی» محسوب می‌شود. وقایع نیمه نخست سال ۲۰۲۶ میلادی و کشیده شدن درگیری‌ها به جبهه‌های مستقیم، لایه‌ای جدید از هزینه‌ها را تحمیل کرد. تنها در یک بازه کوتاه و در خلال تنش‌های مستقیم با ایران، ۳۵ میلیارد شکل دیگر به بدهی‌های عمومی افزوده شد. برای

سرمایه» برای این رژیم است. نیروی کار متخصص که اصلی‌ترین مزیت رقابتی بود، اکنون درگیر جنگی فرسایشی شده است. گزارش‌های اخیر حاکی از آن است که بیش از ۳۱ درصد از نیروی کار کاهش محسوس درآمد را تجربه کرده‌اند؛ موضوعی که به‌طور مستقیم گروه‌های کم‌درآمد و خوداشتغال را هدف قرار داده

است. در چنین فضایی، شکاف طبقاتی که پیش از این نیز یکی از نقاط ضعف ساختار اجتماعی بود، بیش از پیش نمایان شده است. افزایش نرخ فقر در میان کودکان به ۲۸ درصد، هشدار جدی است که نشان می‌دهد دیوارهای امنیتی با فرسایش سرمایه انسانی و عدالت اجتماعی در سرزمین‌های اشغالی پی‌ریزی می‌شوند. از منظر تحلیل اقتصادی، نمی‌توان میان «امنیت مرزها و امنیت معیشت» تمکیک قائل شد. رژیمی که فرزندان زیر خط فقر قد می‌کشند، در درازمدت توان ایستادگی در برابر ناملایمات را نخواهد داشت.

روای سپارت در دنیای امروز

راهبرد تبدیل شدن به «ابر سپارت» که نتانیا‌هو مروج آن است، در کنار پیامدهای گزاف اقتصادی، به لحاظ ژئوپلیتیک نیز بازگشتی به چارچوب‌های فرسوده قدرت در قرون گذشته قلمداد می‌شود. آرمان خودکفایی نظامی محض و قطع وابستگی به کمک‌های خارجی، آن‌گونه که در سخنان نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و وعده سرمایه‌گذاری ۳۵۰ میلیارد شکلی در صنایع دفاعی ملی منعکس شده، در تضاد آشکار با واقعیت‌های جهانی است. اقتصاد بین‌الملل بر پایه زنجیره‌های تأمین درهم‌تنیده استوار است و ادعای استقلال کامل در حوزه تسلیحات فوق‌پیشرفته، در حالی که زیرساخت‌های آموزشی و بهداشتی این رژیم در حال نحیف شدن هستند، بیش از آنکه یک راهبرد واقع‌بینانه باشد، نوعی «خشم سیاسی» به نظر می‌رسد. این شکاف زمانی عمیق‌تر می‌شود که تفاوت دیدگاه‌های رژیم صهیونیستی با آمریکا در دولت ترامپ نیز برجسته می‌شود. فشار برای دستیابی به برتری هوایی مطلق با صرف مبالغ نجومی، در حقیقت به معنای اختصاص بیش از ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی به بودجه دفاعی است؛ عددی که حتی در میان قدرت‌های بزرگ نظامی جهان نیز در زمان صلح یا جنگ‌های

درک بهتر این عدد، باید نگاهی به تاریخ معاصر انداخت. بسیاری از حکومت‌های نظامی در سده بیستم میلادی دقیقاً در لحظه‌ای فروپاشیدند که مخارج امنیتی آن‌ها نرخ رشد اقتصادی‌شان را بلعید. وقتی ناترازی به سطحی می‌رسد که بودجه وزارت دفاع نسبت به اکتبر ۲۰۲۳ بیش از دو برابر افزایش می‌یابد، در حقیقت دولت در حال حراج آینده برای بقای کوتاه مدت است.

بدهی‌های عمومی و بن بست اعتباری

استقراض گسترده در بازارهای بین‌المللی طی سال‌های ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵، بدهی عمومی رژیم صهیونیستی را به مرز نگران‌کننده ۶۹ درصد تولید ناخالص داخلی رسانده است. این جهش ۹ درصدی در زمانی کوتاه، گواه سقوط رتبه اعتباری و افزایش قطعی نرخ بهره برای وام‌های آتی به‌شمار می‌رود و ابعاد وسیع‌تر از جابه‌جایی صرف ارقام دارد. در نگاهی واقع‌بینانه، دولت‌های بدهکار معمولاً برای جبران این کسری به دورا هبرد مغرب‌روی می‌آورند: افزایش مالیات‌ها یا چاپ پول. اکنون هردو مسیر در پیش گرفته شده و ساکنان سرزمین‌های اشغالی ناچارند هزینه‌های جنگ را دوبار بپردازند؛ یک‌بار از طریق کسر خدمات عمومی و بار دیگر از طریق فشار مالیاتی. برخلاف تصورات ابتدایی که گمان می‌شد شوک جنگ با بازایی شاخص‌های بورس فروکش کند، کوچک شدن اقتصاد با نرخ ۳.۳ درصد در ابتدای سال جاری میلادی نشان از یک «رکود فرسایشی» دارد. این ریزش اقتصادی، به‌ویژه در بخش‌هایی که موتور پیشران اقتصاد محسوب می‌شدند، زخمی عمیق برپیریکره توان رقابتی رژیم صهیونیستی وارد کرده است.

قربانی شدن سرمایه انسانی و اجتماعی

ماندگاری طولانی مدت ده‌ها هزار نیروی ذخیره در پادگان‌ها به جای حضور در آزمایشگاه‌های فناوری و کارخانه‌ها، نوعی «تخریب پنهان



در محاصره خویش

کاهش بودجه‌های آموزشی و درمانی، افزایش سرسام‌آور بدهی‌های ملی و کوچک شدن اقتصاد، همگی اجزای پازلی هستند که تصویر رژیمی «در محاصره خویش» را ترسیم می‌کنند. تداوم این وضعیت نه فقط برای اقتصاد داخلی آن، که برای ثبات منطقه‌ای نیز خطرآفرین است؛ چراکه حکومتی که در محاصره بحران‌های اقتصادی قرار می‌گیرد، احتمالاً برای فرار به جلو به ماجراجویی‌های تهاجمی‌تری دست خواهد زد. از منظر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، رصد دقیق این شکاف‌های اقتصادی و فهم این نکته که «پایه‌های قدرت در خاورمیانه دیگر صرفاً با آهن ساخته نمی‌شود»، اهمیتی حیاتی دارد. قدرت واقعی در قرن بیست و یکم حاصل توازن هوشمندانه میان اقتدار نظامی و پایداری اجتماعی. اقتصادی است؛ توازن که به نظر می‌رسد در غبار جنگ‌های کنونی، به‌کلی از یاد حاکمان فعلی رژیم صهیونیستی رفته است.



بین الملل



اعتراف اسرائیل به خسارات گسترده به پالایشگاه‌های حیفا در پی حملات ایران

یک سند جدید دولت رژیم صهیونیستی فاش کرده است که خسارات وارده به مجتمع پالایشگاه نفت خلیج حیفا بر اثر حملات موشک‌های ایرانی در جریان جنگ، گسترده‌تر از آن چیزی است که قبلاً اعلام شده بود و کار بازسازی این مجتمع تا قبل از سال ۲۰۲۸ تکمیل نخواهد شد. مجتمع صنعتی بازاز در حیفا در جریان جنگ ژوئن و همچنین در جریان جنگ مشترک اخیر رژیم صهیونیستی و آمریکا مورد اصابت موشک‌های ایرانی قرار گرفت. حمله ژوئن شدیدترین حمله بود که منجر به کشته شدن سه کارگر کارخانه شد.

خسارت وارده به نیروگاه این مجتمع در حمله ماه ژوئن، تمام تأسیسات پالایشی را مختل کرد، به طوری که شرکت عامل در آن زمان در گزارشی از بورس، خسارت را بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیون دلار تخمین زده بود.

در جریان حمله ماه مارس، این مجتمع دو بار مورد اصابت قرار گرفت؛ بار اول توسط ترکش‌های یک موشک رهگیر و بار دوم توسط موشکی که بر روی سقف یک مخزن فرآورده‌های نفتی سقوط کرد. شرکت بازاز پس از حادثه ژوئن ۲۰۲۵ به بورس اطلاع داده بود که نیروگاه این مجتمع به طور قابل توجهی آسیب دیده است اما در مورد حادثه مارس گفته است که خسارت قابل توجه نبوده و تمام تأسیسات تولیدی عملیاتی هستند.



ایدهٔ بمباران هوایی برای تغییر نظام سیاسی، یک اقتضاح دیگر برای آمریکا به ارمان آورده

معتاد به شکست

آمریکا میل ندارد تا از تاریخ خود درس بگیرد و به همین اعتبار هم به تکرار کردن شکست‌ها معتاد شده است. به همین اعتبار است که بسیاری از کارشناسان نظامی و البته سیاسی جهان به ترامپ پیش از تجاوز به ایران هشدار می‌دادند که یک کمپین بمباران هوایی تنها یک شکست مفتضح برای او به بار خواهد آورد، اما او و اطرافیان‌ش نفهمیدند. آتلانتیک این موضوع را دستمایهٔ یک گزارش خود کرده است.



امیر برومند

روزنامه‌نگار

شد، این مهم تنها زمانی رخ داد که نیروهای نظامی آمریکا، این دو کشور را به صورت زمینی اشغال کردند؛ بدون اشغال کامل، بمباران هیچ راهی از پیش نمی‌برد.

ایران اما یک تفاوت بسیار مهم و برجسته با تمام کشورهایی داشت که آمریکا به آن‌ها حمله کرد و آن هم توانایی ایران برای وارد کردن ضربه به آمریکا بود و هست «برخلاف صربستان یا افغانستان، ایران این توانایی را داشت که مقابله به مثل کند و ضربات قابل توجهی به ایالات متحده وارد سازد. ایران از همان ابتدا به خوبی درک کرده بود که نتیجه جنگ با این مسئله تعیین می‌شود که چه کسی می‌تواند انسداد تنگه هرمز را تاب بیاورد. حکومت ایران همواره یک نظریه پیروزی معقول و باورپذیر داشت و آن را در سراسر این درگیری به شکلی منطقی و مستمر دنبال کرد».

نتیجیهٔ این جنگ برای ترامپ و تیم او، به خصوص هگزت که به باور آتلانتیک تنها یک افسر جزء در ارتش آمریکا بوده و تمام جهان از این درپچه می‌فهمد، یک شکست راهبردی است «پیامدهای این کارزار جنگی ناشیانه، چیزی کمتر از یک فاجعه نیست. ذخایر مهمات ایالات متحده ته کشیده، اعتبار نظامی اش به شدت مخدوش شده، روابط خارجی اش تا مرز فروپاشی تحت فشار قرار گرفته و رهبری ایران نیز در بهترین موقعیت استراتژیک تاریخ خود قرار گرفته است. این راه دشوار و تلخی برای آموختن دوباره این درس قدیمی است که قدرت هوایی به تنهایی در جنگ‌ها پیروز نمی‌شود».

اشتباهی بدیهی، هرچند رایج، شدند: آن‌ها تصور می‌کردند که در یک جنگ می‌توان صرفاً از طریق بمباران هوایی پیروز شد». گزارش آتلانتیک مروری بر تجربیات جهانی آمریکا در تجاوز به دیگر کشورها است که چطور ایدهٔ بمباران هوایی برای تسلیم نامارآند بودند «بمباران راهبردی در ویتنام نیز با شکست مواجه شد. در آن جنگ، ایالات متحده حدود ۷.۶ میلیون تن بمب فرو ریخت، در حالی که ارتش آمریکا در طول جنگ

جهانی دوم در مجموع صحنه‌های نبرد اروپا و اقیانوس آرام، تقریباً ۲.۷ میلیون تن بمب پرتاب کرده بود». نکتهٔ مهم آن است که به باور آتلانتیک طرح آمریکا برای تجاوز به ایران از همان ابتدا شکست خورده بود، چون تنها بر روی یک متغیر اشتباهی، یعنی احتمال انقلاب داخلی شرط بسته بود و هیچ ایدهٔ دیگری نداشت «طرح ایالات متحده برای حمله به ایران از همان ابتدا محکوم به شکست بود، زیرا بدون بهره‌مندی از عوامل خارجی که می‌توانستند یک کارزار هوایی را موفقیت‌آمیز کنند، تنها بر قدرت هوایی متکی بود. هیچ تهدید معتبری مبنی بر تهاجم زمینی گسترده برای سرنوشت رژیم ایران وجود نداشت. تنها گزینه پیش‌رو یا انقلاب داخلی بود یا هیچ». به باور آتلانتیک، اگر آمریکا در عراق یا افغانستان هم موفق به تغییر رژیم

به گزارش آتلانتیک، طرح آمریکایی‌ها بسیار ساده لوحانه بود «هنگامی که ایالات متحده و اسرائیل در ماه فوریه جنگ علیه ایران را آغاز کردند، طرحشان ساده بود: بمباران ایران تا زمانی که با مردم ایران قیام کرده و حکومت را سرنگون کنند، یا حکومت فعلی تسلیم خواسته‌های آمریکا شود. خیلی زود مشخص شد که هیچ‌یک از این دو اتفاق رخ نخواهد داد. مردم ایران شورش نکردند. حکومت ایران سنگر گرفت، تنگه را بست و روی این مسئله قمار کرد که ایالات متحده تمایلی به تهاجم زمینی یا حمله به زیرساخت‌های حیاتی نخواهد داشت. بنابراین، به نظر می‌رسد طراحان آمریکایی مرتکب

کارزار جنگی ناشیانه

پیامدهای این کارزار جنگی ناشیانه، چیزی کمتر از یک فاجعه نیست. ذخایر مهمات ایالات متحده ته کشیده، اعتبار نظامی اش به شدت مخدوش شده، روابط خارجی اش تا مرز فروپاشی تحت فشار قرار گرفته و رهبری ایران نیز در بهترین موقعیت استراتژیک تاریخ خود قرار گرفته است.

یادداشت

توافق ساده‌لوحانه برای عقب نشینی رژیم زمین‌خوار

احسان خوشوقت
روزنامه‌نگار

ساده لوحانه‌ترین تصور ممکن این است که کسی باور کند رژیم صهیونیستی با چند امضا و چند نشست دیپلماتیک، داوطلبانه از سرزمین‌های اشغالی لبنان عقب‌نشینی خواهد کرد. تجربه چند دهه گذشته نشان داده است که این رژیم نه بر اساس منطق تعهدات بین‌المللی، بلکه بر پایه سیاست توسعه‌طلبی و ایجاد تجاوزات و جنگ‌های میدانی حرکت می‌کند.

اکنون نیز طرحی که از سوی این رژیم مطرح شده، بیش از آنکه نشانه‌ای از عقب‌نشینی باشد، تلاشی برای خرید زمان و ایجاد یک وجهه انسان دوستانه است. ایده‌ای که عملاً اجازه دهد بخشی از نیروهای ارتش در مناطق اشغالی اما کم‌اهمیت‌تر باقی بمانند، با این ادعا که مشکل فقط با حزب الله است، چیزی جز یک بازی تبلیغاتی نیست.

واقعیت آن است که حتی برخی کشورهای منطقه نیز نسبت به این مسیر خوش بین نیستند. مصر نیز با نگاه محتاطانه به توافق اولیه میان دولت لبنان و اسرائیل نگرینسته و ارزیابی کرده است که عقب‌نشینی کامل این رژیم از اراضی لبنان در شرایط فعلی دشوار خواهد بود. این اعتراف نشان می‌دهد وعده‌های مطرح‌شده بیش از آنکه یک مسیر واقعی برای پایان اشغال باشد، تلاشی برای تثبیت شرایط موجود است.

تاریخ نیز فراموش نکرده است که چگونه در سال ۱۹۸۲ و همزمان با حمله رژیم صهیونیستی به لبنان، بسیاری از کشورهای جهان علیه این اقدام موضع گرفتند. هنگامی که مناحیم بگین قصد سخنرانی در سازمان ملل داشت، اعتراض‌ها به حمله نظامی این رژیم گسترده بود و بسیاری جلسه را ترک کردند اما حمایت‌های سیاسی آمریکا بار دیگر نشان داد که معیارهای دوگانه در نظام بین‌الملل چگونه عمل می‌کند.

امروز نیز همان آمریکایی که دهه‌ها از اقدامات تل‌آویو حمایت کرده، خود را میانجی خیرخواه لبنان معرفی می‌کند. در شرایطی که بخش‌هایی از خاک لبنان همچنان تحت اشغال است. فشار برای پذیرش توافق‌هایی که در آنها به جای تمرکز بر اشغالگری، انگشت اتهام به سمت مقاومت و گروه‌هایی مانند حزب الله لبنان گرفته می‌شود، چیزی جز تغییر زمین بازی سیاسی نیست.

دولت‌هایی که تصور می‌کنند با امتیاز دادن به رژیمی که سابقه طولانی در نقض تعهدات و قطعنامه‌ها دارد، می‌توانند امنیت و ثبات به دست آورند، در حال تکرار یک خطای تاریخی هستند. مسئله لبنان را نمی‌توان با نادیده گرفتن واقعیت‌های میدانی و پذیرفتن روایت طرف اشغالگر حل کرد.

راهکار واقعی برای لبنان، حفظ استقلال تصمیم‌گیری، تکیه بر منافع ملی و پرهیز از افتادن در دام وعده‌هایی است که بارها بی‌اعتباری آنها ثابت شده است. راهکار همراهی و ادامه مسیر با همان حزب الهی است که افتخارات اوایل ۲۰۰۰ در عقب‌راندن بی‌قید و شرط رژیم صهیونیستی را رقم زد.

تجربه نشان داده است که رژیم صهیونیستی زبان فشار و مقاومت را بهتر از زبان امتیازدهی یک طرفه می‌فهمد. بنابراین مسیر آینده لبنان باید بر پایه حفظ حاکمیت و ایستادگی در برابر زیاده‌خواهی‌ها باشد، نه اعتماد به طرح‌هایی که هدف نهایی آنها عادی‌سازی اشغالگری است.

یادداشت

بازدارندگی
به روایت مرشایمرامیر شهشهانی
روزنامه‌نگار

در ادبیات روابط بین‌الملل، سال‌ها این گزاره تبلیغ می‌شد که پایبندی به رژیم‌های کنترل تسلیحات و پرهیز از دستیابی به سلاح هسته‌ای، امنیت کشورها را تضمین می‌کند. اما حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران، این روایت را با یک پرسش بنیادین روبه‌رو کرده است. سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، نیز در گفت‌وگوی اخیر خود با راشا تودی عربی با اشاره به اعتراف روبیو به آچمز شدن آمریکا در برابری شدن ایران به همین واقعیت اشاره کرد. او تصریح کرد تجربه لیبی و سرنوشت معمر قذافی، کره شمالی را در تصمیم خود برای ساخت سلاح هسته‌ای مصمم ترک کرد. تحولات اخیر ایران نیز عملاً همین پیام را تقویت کرده است.

در همین چارچوب، اظهارات جدید پروفیسور جان مرشایمر، نظریه‌پرداز برجسته رئالیسم تهاجمی و استاد روابط بین‌الملل دانشگاه شیکاگو، بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفته است. او در ادامه مواضع پیشین خود تصریح کرد: «اگر من به جای سیاستمداران ایرانی بودم، برای ساخت سلاح اتمی حتی اگر لازم بود علف می‌خوردم؛ چون اگر سلاح اتمی داشته باشید، بسیار بعید است که اسرائیل یا آمریکا مجدداً به شما حمله کنند، زیرا از وقوع جنگ هسته‌ای می‌ترسند.» این سخن یک موضع احساسی یا تبلیغاتی نیست، بلکه دقیقاً از مبانی نظری رئالیسم به عنوان اصلی ترین نظریه علم روابط بین‌الملل سرچشمه می‌گیرد. مرشایمر سال‌هاست استدلال می‌کند که در نظام آنارشیک بین‌الملل، هیچ سطحی از قدرت نمی‌تواند معمای امنیت و بقای دولت‌ها را به‌طور کامل حل کند، اما بازدارندگی هسته‌ای قدرتمندترین ابزار برای حفظ بقا و افزایش هزینه تجاوز دشمن است. از نگاه او، تضمین امنیت نه از مسیر اعتماد به قواعد بین‌المللی، بلکه از مسیر ایجاد بازدارندگی مؤثر حاصل می‌شود.

از همین رو، بسیاری از صاحب‌نظران روابط بین‌الملل معتقدند پرهیز ۲۳ ساله ایران از ساخت سلاح هسته‌ای، نه تنها مانع جنگ نشد، بلکه دشمن را در محاسبه اراده سیاسی و توان بازدارندگی ایران دچار خطای راهبردی کرد. ایران در این مدت، بیش از هر کشور دارای سلاح هسته‌ای از جمله کره شمالی با شدیدترین تحریم‌ها، ترور دانشمندان و مسئولان، خرابکاری‌های پرهزینه در تأسیسات و در نهایت دو جنگ تمام‌عیار و بدتر از همه ترور رهبر انقلاب روبه‌رو شد؛ آن‌هم در حالی که آمریکا و رژیم اسرائیل طی سه دهه، همواره با ادعای نزدیک بودن ایران به ساخت بمب، همین فشارها را توجیه کرده‌اند. به همین دلیل، امروز درخواست بازنگری در دکترین هسته‌ای ایران به موضوعی جدی در میان شماری از اندیشمندان و پژوهشگران روابط بین‌الملل در داخل و خارج از کشور تبدیل شده است؛ بحثی که ریشه آن نه در نظریه، بلکه در تجربه پرهزینه سال‌های گذشته نهفته است.

واشنگتن تفاهم را
«کاغذ» می‌خواند و
کاغذپاره می‌داند

در حالی که بقای ادامه روند مذاکرات را به ارزیابی پایبندی آمریکا به تعهداتش منوط کرده و نسبت به آثار منفی تکرار نقض‌ها هشدار داده است، افشای اظهارات مارکو روبیو مبنی بر اینکه تفاهم‌نامه با ایران «فقط یک تکه کاغذ» است، در کنار سخنان اسکات بنست درباره بازگشت‌پذیر بودن امتیازات و نیز تناقض‌گویی‌های دونالد ترامپ، این گزاره را تقویت می‌کند که واشنگتن همچنان دیپلماسی را نه یک تعهد الزام‌آور، بلکه ابزاری تاکتیکی برای مدیریت بحران، خرید زمان و تأمین منافع راهبردی خود می‌داند.

ترامپ نیز طی روزهای گذشته بار دیگر با ادبیاتی متناقض، یک روز از تفاهم سخن گفت و روز دیگر زبان تهدید را علیه ایران به کار. از همین منظر، بسیاری از تحلیلگران معتقدند آمریکا از فرصت ایجاد شده در فضای دیپلماتیک، برای تحقق اهدافی فراتر از مذاکرات بهره برده است؛ از کاهش نگرانی بازارهای جهانی نسبت به مسدود ماندن تنگه هرمز و جلوگیری از جهش قیمت نفت گرفته تا خرید زمان برای بازسازی توان نظامی خود و متحدان منطقه‌ای خود، تکمیل آرایش نظامی و جلوگیری از شکل‌گیری بحرانی که می‌توانست با کاهش عرضه نفت و تخلیه ذخایر راهبردی انرژی، قیمت هر بشکه نفت را به سطوح بی‌سابقه برساند. به عبارت دیگر، دیپلماسی برای واشنگتن بیش از آنکه یک راه حل سیاسی باشد، به ابزاری و فرصتی برای تأمین پیش‌نیازهای مرحله جنگی بعدی تبدیل شد.

تکذیب ادعای آزادی پول‌های ایران

در این میان، پرونده دارایی‌های بلوکه‌شده ایران نیز به نمونه دیگری از فاصله میان تبلیغات و واقعیت تبدیل شده است. در حالی که طی روزهای گذشته مسعود پزشکیان از بازگشت این منابع به کشور سخن گفته بود، وزارت خارجه قطر روز دوشنبه اعلام کرد که ۶ میلیارد دلار دارایی ایران همچنان به تهران منتقل نشده و مطابق توافق سال ۲۰۲۳ صرفاً برای خرید کالاهای بشردوستانه قابل استفاده است. اظهارات بقایای نیز عملاً همین موضوع را تأیید کرد. وی نه از انتقال منابع، بلکه از برگزاری نشست کارشناسی با طرف قطری برای بررسی نحوه دسترسی ایران به این دارایی‌ها سخن گفت و تأکید کرد هدف آن است که جمهوری اسلامی بتواند مطابق تشخیص خود از این منابع استفاده کند. این موضع نشان می‌دهد ادعای انتقال دارایی‌ها با واقعیت موجود همخوانی ندارد و هنوز مهم‌ترین گره این پرونده باز نشده است.

بقایای از «رصد لحظه‌ای» تعهدات آمریکا گفت؛ روبیو تفاهم را «فقط یک تکه کاغذ» خواند

وقت‌کشی آمریکا در اجرای تفاهم

بر «رصد لحظه‌ای» رفتار آمریکا، توقف مذاکرات مستقیم، تداوم نقض تعهدات و افشای نگاه تحقیرآمیز واشنگتن به تفاهم‌نامه، از شکل‌گیری فضایی حکایت دارد که حتی خوش‌بین‌ترین حامیان مذاکره نیز دیگر نمی‌توانند نسبت به آن با اطمینان سخن بگویند.



محسن فرهمند

روزنامه‌نگار

مکرر، به‌ویژه در موضوع توقف تجاوزات رژیم صهیونیستی علیه لبنان که در بند نخست یادداشت تفاهم تصریح شده، ادامه پیدا کند، این روند با مشکل جدی روبه‌رو خواهد شد. او همچنین تأکید کرد که ایران طی روزهای آینده روند جاری را ارزیابی خواهد کرد و سپس درباره زمان و نحوه آغاز مذاکرات برای توافق نهایی تصمیم خواهد گرفت.

این ادبیات، در مقایسه با مواضع چند هفته قبل، از تغییر محسوس حکایت دارد. وقتی مسئول رسمی دستگاه دیپلماسی از ارزیابی روزانه رفتار آمریکا، احتمال تأثیر منفی نقض تعهدات بر ادامه روند و تعویق تصمیم درباره مذاکرات نهایی سخن می‌گوید، به سختی می‌توان از وجود یک چشم‌انداز روشن برای دیپلماسی سخن گفت.

روبیو: تفاهم اسلام‌آباد
فقط یک برگ کاغذ است

در سوی دیگر، مواضع مقامات آمریکایی نیز مؤید همین واقعیت است. کاملاًگر داو، نماینده دموکرات کنگره آمریکا، بخش‌هایی از جلسه توجیهی مارکو روبیو با نمایندگان کنگره را افشا کرده است. براساس این روایت، وزیر خارجه آمریکا تفاهم‌نامه با ایران را «فقط یک تکه کاغذ» توصیف کرده و تصریح کرده است که این سند چیزی جز توافق برای «ادامه گفت‌وگو درباره گفت‌وگو» نیست. این تعبیر، هرگونه ادعای پایبندی واشنگتن به تفاهم را با تردید جدی مواجه می‌کند؛ زیرا وقتی عالی‌ترین مقام دیپلماسی آمریکا چنین برداشتی از سند امضا شده دارد، طبیعی است که انتظار اجرای دقیق تعهدات، بیش از اندازه خوش‌بینانه باشد. این موضع را باید در کنار اظهارات اخیر اسکات بنست، وزیر خزانه‌داری آمریکا، قرار داد که اعلام کرده بود امتیازاتی که واشنگتن در روند مذاکرات ارائه می‌کند، بازگشت‌پذیر است و صرفاً نقش «هویج» را برای پیشبرد اهداف آمریکا ایفا می‌کند. از سوی دیگر، دونالد

تحولات روزهای اخیر پیرامون تفاهم ایران و آمریکا، بیش از هر زمان دیگری این واقعیت را آشکار کرده است که فاصله میان متن توافقات و رفتار عملی واشنگتن نه تنها کاهش نیافته، بلکه هر روز عمیق‌تر می‌شود. اگر در هفته‌های نخست، دلسوزان از آغاز یک روند اشتباه در روابط تهران و واشنگتن سخن می‌گفتند، اکنون مجموعه مواضع رسمی منتشرشده از سوی دو طرف نشان می‌دهد حتی در میان مسئولان تیم مذاکره‌کننده ایران نیز دیگر خبری از خوش‌بینی اولیه نیست و ادامه این مسیر با احتیاط، تردید و شرط‌گذاری همراه شده است. اظهارات اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه و تیم مذاکره‌کننده ایران، در نشست خبری هفتگی روز ۹ تیر را باید از همین زاویه مورد ارزیابی قرار داد؛ اظهاراتی که در کنار مواضع مقامات آمریکایی، تصویر روشنی از آینده مبهم این روند ارائه می‌کند.

بقایی در ابتدای نشست خبری خود اعلام کرد که ایران در روزهای آینده هیچ برنامه‌ای برای ملاقات با طرف آمریکایی در هیچ سطحی ندارد و نشست احتمالی دوحه نیز صرفاً به گفت‌وگو با طرف قطری درباره اجرای برخی بندهای یادداشت تفاهم، از جمله موضوع دارایی‌های محدود شده ایران اختصاص خواهد داشت. همین موضع نشان می‌دهد نه تنها خبری از ورود مذاکرات به مرحله جدید نیست و هنوز تفاهم اخیر نیز اجرایی نشده است.

با این حال، مهم‌ترین بخش سخنان سخنگوی وزارت امور خارجه، تأکید مکرر وی بر ضرورت «رصد لحظه‌ای» رفتار آمریکا بود؛ عبارتی که خود به تنهایی بیانگر سطح بی‌اعتمادی نسبت به طرف مقابل است. بقایی تصریح کرد که اصل «تعهد در برابر تعهد» تنها زمانی معنا دارد که آمریکا نیز به تعهدات خود پایبند باشد و هشدار داد در صورتی که نقض‌های

یادداشت

نمایشگاه حسن روح‌الامین افتتاح شد

علی نقدی
روزنامه‌نگار

نمایشگاه آثار حسن روح‌الامین افتتاح شد. نمایشگاه «اتود» روایتی گسترده از پشت صحنه ذهن حسن روح‌الامین است؛ مجموعه‌ای متشکل از بیش از ۲۲۰ اثر رنگی و سیاه‌وسفید که طراحی‌ها، مطالعات فیکوراتیو، آزمون‌های ترکیب‌بندی و پیش‌طرح‌های او را در بازه‌ای بیست‌ساله گرد هم آورده است. این نخستین بار است که چنین حجم و تنوعی از اتودهای این هنرمند به صورت یک جا ارائه می‌شود؛ آثاری که پیش از این، بیشتر در سایه تابلوهای نهایی و شناخته‌شده او قرار داشتند. حسن روح‌الامین برجسته‌ترین چهره نقاشی آیینی در سال‌های اخیر بوده است و تماشای اتودهای او می‌تواند برای مخاطب عام و خاص جذابیت داشته باشد.

روح‌الامین با مهارت چشمگیر در نقاشی فیکوراتیو و روایت‌پردازی تصویری، به سراغ مضامین تاریخی، آیینی و هویتی می‌رود و آن‌ها را با بیانی دراماتیک و عاطفی بازآفرینی می‌کند. تابلوهای بزرگ مقیاس او با نورپردازی‌های پرتش، چهره‌های پرجزئیات و لحظات اوج روایی، در سال‌های اخیر به بخشی از حافظه بصری مخاطبان هنر ایران تبدیل شده است. تصاویری که میان تاریخ و اکنون، پلی احساسی و معنوی می‌زنند و در میان روایت‌های عاشورایی که ذهن و دل عاشقان اباعبدالله پر کرده است، جا باز کرده‌اند.

«اتود» اما ما را به نقطه آغاز می‌برد. به جایی که ایده هنوز در حال شکل‌گیری است و و می‌تواند عمق نگاه حسن روح‌الامین را نمایان کند. در این نمایشگاه می‌توان مسیر تکوین یک اثر را از نخستین خطوط تا مطالعات دقیق آناتومیک و تجربه‌های رنگی دنبال کرد. این آثار نشان می‌دهند که چگونه یک تصویر نهایی، حاصل لایه‌لایه اندیشیدن، آزمون و خطا و پالایش مداوم است.

برای پژوهشگران و علاقه‌مندان، «اتود» فرصتی کم‌نظیر است تا با فرآیند خلق در کارگاه ذهنی روح‌الامین مواجه شوند؛ با جهانی که در آن تاریخ به تصویر بدل می‌شود و ایمان و هویت، صورت انسانی می‌یابد. این نمایشگاه تا پایان ماه محرم، هر روز از ساعت ۱۰ تا ۲۰ در نگارخانه باغ‌موزه هنر ایرانی، واقع در تهران، خیابان دکتر حسینی، میزبان بازدیدکنندگان خواهد بود.

از تحسین چهره‌های جهانی تا تخریب برخی داخلی‌ها؛ دورایت متفاوت از تیم ملی ایران

مظلومیتی که جهان دید، اما برخی در داخل ندیدند

نسبتی با فوتبال ایران دارد و نه ضرورتی برای حمایت از ملی‌پوشان کشورمان. با این حال، آنچه او دید و با صراحت بیان کرد، همان واقعیتی بود که بسیاری ترجیح دادند نبینند.

اگر قرار باشد از جام جهانی ۲۰۲۶ چند قاب غیرفوتبالی در ذهن مخاطبان باقی بماند، بی‌تردید یکی از مهم‌ترین آن‌ها دفاع صریح ترورنوآ از تیم ملی ایران است. مجری و کم‌مدین مشهور که نه



۶ سعید مصباح
روزنامه‌نگار

تیمی که در میانه جنگ، زیر فشارهای رسانه‌ای و سیاسی و بادشوارترین شرایط ممکن راهی جام جهانی شد، اما شأن حرفه‌ای خود را حفظ کرد. این روایت، تنها تمجید از یک تیم فوتبال نبود؛ اعترافی بود به مظلومیت تیمی که پیش از آنکه با حریفانش بجنگد، ناچار بود با استانداردهای دوگانه و فضا سازی‌های سیاسی مقابله کند.

ترور نوآ در برنامه خود، انگشت روی همان زخمی گذاشت که سال‌هاست کمتر کسی در رسانه‌های جریان اصلی غرب حاضر به دیدنش شده است. او پرسید چرا بازیکنان ایران باید در نشست‌های خبری درباره جنگ، سیاست و تحولات منطقه پاسخگو باشند، اما بازیکنان آمریکا، کانادا یا دیگر کشورهای غربی تنها درباره فوتبال سؤال می‌شوند؟ پرسشی ساده، اما تعیین‌کننده؛ پرسشی که نشان داد حتی برای یک ناظر بی‌طرف نیز این تبعیض رسانه‌ای آشکار است. واقعیت آن است که تیم ملی ایران در شرایطی پا به جام جهانی گذاشت که تقریباً هیچ یک از رقبایش تجربه مشابهی نداشتند. جنگ، محدودیت پروازها و ویزای روزانه، نبود دیدارهای تدارکاتی مناسب، فشارهای روانی، جابه‌جایی‌های مکرر و ساعت‌ها معطلی در کنترل‌های امنیتی، تنها بخشی از مشکلاتی بود که ملی‌پوشان کشورمان پیش از هر مسابقه تحمل کردند. با این وجود، نه حاشیه‌ای آفریدند، نه وارد بازی‌های سیاسی شدند و نه اجازه دادند تمرکزشان از فوتبال دور شود. پاسخ ثابت آن‌ها به پرسش‌های جهت‌دار خبرنگاران نیز روشن بود: «ما فوتبال‌بست هستیم و برای فوتبال اینجا حضور داریم».

عملکرد فنی تیم ملی نیز برخلاف روایتی که برخی در داخل کشور ساختند، به ویژه در دیدارهای برابر بلژیک و مصر، عملکردی قابل قبول و در مقطعی برتر از حریف بود. اما به جای آن که این نمایش مورد توجه قرار گیرد، برخی رسانه‌های داخلی تلاش کردند با ضعیف جلوه دادن بلژیک و مصر، ارزش عملکرد ایران

چه خبر از برمودا؟!

مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

می‌گویند تلویزیون دیگر آن رسانه جذاب و پرمخاطب گذشته نیست و نمی‌تواند نظر مخاطبان را به خود جلب کند. پول و وقت زیادی در فضای مجازی صرف می‌شود تا به زور این دروغ را به مخاطب حقنه کنند که صد اوسیمایک رسانه محفلی است.

ولی اگر بخواهیم عینک بدبینی را کنار بزنیم و صرفاً بر روی واقعیت موجود تأکید کنیم باید بگوییم که تلویزیون در دوران تحول نقطه اوج کم‌نداشته و یکی از این نقاط برنامه گفت‌وگو محور «برمودا» با اجرای کامران نجف‌زاده بوده است. این برنامه با وجود آن که در طول سه فصل از صد اوسیمایک پخش شد و با محدودیت‌هایی در بُعد محتوایی روبه‌رو بود، اما توانست بسیار جلوتر از تاک‌شوهای اینترنتی به چشم بیاید و تکه‌هایش در اینستاگرامی که ملک طلق پدری جماعت غربگراست دیده و وایرال شود.

نجف‌زاده و تیمش در مدت سه سال یکی از پایه‌های شبکه نسیم و در کل مجموعه تلویزیون بودند و توانستند نگاه مخاطب را در زمان پخش برمودا به رسانه ملی جلب کنند. در این مدت تیم برمودا گفت‌وگوهای زیادی با افراد و چهره‌های ناشناخته و معروف داشتند و با افرادی که برخی از آنان چندین دهه است در تلویزیون ظاهر نشده‌اند، گپ زدند. ما اگر واقعاً بخواهیم نبض جامعه در دستان مان باشد، باید چند گام از آن خط قرمزهای فرضی که ساخته‌ایم جلوتر برویم و از آن عبور کنیم.

باید بدانیم و متوجه این موضوع باشیم که افکار عمومی - دست‌کم آن بخش‌هایی که تلویزیون را دنبال و تماشا می‌کنند - تغییر سن و سال داده‌اند و نسل جدیدی پا به عرصه گذاشته که دیگر نمی‌شود با آن‌ها به روال سابق مواجه گردید.

برنامه برمودا بدون لوده‌بازی و تلاش مضاعف برای تولید تکه‌های وایرالی توانست نقش بسزایی در بازگشت بخشی از مخاطبان بالقوه به تلویزیون داشت و اکنون انتظار می‌رود که با تولید و پخش فصل سوم بینندگان بیشتری به سمت صد اوسیمایک جلب شوند. کامران نجف‌زاده و تیمش فرزند تلویزیون هستند و باید همچنان در خانه خود باقی بمانند.

در سوگ نشاند.

ویژگی خاص جمشیدی که او را از دیگران متمایز می‌کرد، ایجاد پیوند میان آیین‌های مذهبی و ادبیات فارسی بود. در سال‌های غیبت او در رسانه ملی، جای خالی او در برنامه‌های معارفی به شدت حس می‌شد، چرا که او با تسلطی مثال‌زدنی بر ادبیات فارسی و فن بیان، طی چند سال تجربه‌ای منحصربفرد برای مخاطبان برنامه‌های معارفی رقم زده بود. فرزاد جمشیدی در ذهن مخاطبان به عنوان چهره‌ای با وقار جا باز کرده بود که صدا و لحن گرمش به دل می‌نشست. درگذشت او بر اثر سکته قلبی در ۵۶ سالگی، پایان زود هنگام صدایی بود که سال‌ها سحرگاهان، مهمان خانه‌های مردم مسلمان ایران بود. برای ایشان رحمت و مغفرت الهی را آرزو مندیم.



فرزاد جمشیدی سحرگاه سه‌شنبه نهم تیر بر اثر سکته قلبی درگذشت. درگذشت فرزاد جمشیدی، مجری توانا و شاخص تلویزیون ایران، جامعه هنری و مخاطبان پرشمار برنامه‌های معنوی و سحرگاهی صد اوسیمایک را

صدای گرم سحرگاهی خاموش شد